

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده علوم انسانی

رشته علوم سیاسی - گرایش مطالعات ایران

مقطع دکتری

بررسی نقش سرمایه اجتماعی در موفقیت جریان

اسلام گرا (۵۷ - ۱۳۲۰)؛

مورد مطالعاتی مدارس اسلامی "جامعه تعلیمات

اسلامی" و "دخترانه رفاه"

دانشجو: جلیل دارا

استاد راهنما: دکتر ابوالفضل شکوری

اساتید مشاور: دکتر مسعود غفاری - دکتر عباس منوچهری

اردیبهشت ۱۳۹۰



بسمه تعالی

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

حکیم آقای جیل را  
در تاریخ  
اعضای هیات داوران نسخه نهایی این رساله را از نظر فرم و محتوا تایید کرده است و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه دکتری پیشنهاد می کنند.

رساله  
واحدی خود را با عنوان: *بررسی نقش سرمایه اجتماعی*  
ارائه کردند.

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنمای اصلی	دکتر ابوالفضل شکر	استادیار	
۲- استاد راهنمای دوم			
۳- استاد مشاور اول	دکتر مصدق محمدی	استادیار	
۴- استاد مشاور دوم	دکتر محسن جوهری	استادیار	
۵- استاد ناظر	دکتر تقی آزادانگی	استاد	
۶- استاد ناظر	مهندس خانی	استادیار	
۷- استاد ناظر	دکتر محمد مصدق محمدی	استاد	
۸- استاد ناظر	دکتر هادی جریسی	استادیار	
۹- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی	دکتر یونس	استادیار	

## آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل رساله دکتری نگارنده در رشته علوم سیاسی است که در سال ۱۳۹۰ در دانشکده علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای دکتر ابولفضل شکوری، مشاوره جناب آقای دکتر مسعود غفاری و مشاوره جناب آقای دکتر عباس منوچهری از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب جلیل دارا دانشجوی رشته علوم سیاسی مقطع دکترا تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم. نام و نام خانوادگی: جلیل دارا

## آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس

**مقدمه:** با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عنوان پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب جلیل دارا دانشجوی رشته علوم سیاسی ورودی سال تحصیلی ۱۳۸۳ مقطع دکترا دانشکده علوم انسانی متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین نامه فوق الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

## فهرست مطالب

عنوان \_\_\_\_\_ شماره صفحه

مقدمه ..... ۱

**فصل اول: طرح کلی بحث ..... ۶**

۱-۱- پیش درآمد ..... ۹

۱-۲- طرح مساله ..... ۱۲

۱-۳- سوال اصلی تحقیق ..... ۱۸

۱-۴- فرضیه اصلی تحقیق ..... ۱۸

۱-۵- تعریف مفاهیم، متغیرها و مفروضات ..... ۱۹

۱-۶- ضرورت و اهداف تحقیق ..... ۲۶

۱-۷- مروری بر ادبیات تحقیق، جنبه های نوآوری ..... ۲۷

۱-۸- قلمرو و روش تحقیق ..... ۳۵

۱-۹- سازماندهی تحقیق ..... ۳۶

**فصل دوم: واکاوی نظری سرمایه اجتماعی؛ چارچوب نظری تحقیق ..... ۳۷**

۲-۱- پیش درآمد ..... ۳۹

۲-۲- سرمایه اجتماعی؛ مفاهیم و نظریه ها ..... ۴۰

۲-۲-۱- تعریف سرمایه و انواع آن ..... ۴۱

۲-۲-۲- تاریخچه سرمایه اجتماعی ..... ۴۲

۲-۲-۳- تعریف سرمایه اجتماعی ..... ۴۴

- ۴۵ ..... نظریه‌های سرمایه اجتماعی ..... ۴-۲-۲
- ۴۶ ..... نظریه پیر بوردیو ..... ۱-۴-۲-۲
- ۴۸ ..... نظریه فرانسیس فوکویاما ..... ۲-۴-۲-۲
- ۴۹ ..... نظریه جیمز کلن ..... ۳-۴-۲-۲
- ۵۱ ..... اشکال مختلف سرمایه اجتماعی ..... ۵-۲-۲
- ۵۱ ..... سرمایه اجتماعی رسمی و غیر رسمی ..... ۱-۵-۲-۲
- ۵۲ ..... سرمایه اجتماعی عمقی و سرمایه اجتماعی گسترده ..... ۲-۵-۲-۲
- ۵۲ ..... سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (محدود) و برون‌گروهی (اتصال) ..... ۳-۵-۲-۲
- ۵۳ ..... سطوح مختلف تحلیل سرمایه اجتماعی ..... ۶-۲-۲
- ۵۶ ..... مولفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی ..... ۷-۲-۲
- ۵۷ ..... شبکه‌ها (Networks) ..... ۱-۷-۲-۲
- ۵۸ ..... هنجارهای همیاری (Norms) ..... ۲-۷-۲-۲
- ۵۹ ..... اعتماد (Trust) ..... ۳-۷-۲-۲
- ۵۹ ..... مقایسه سرمایه اجتماعی با دیگر سرمایه‌ها ..... ۸-۲-۲
- ۶۱ ..... چارچوب نظری تحقیق ..... ۳-۲
- ۶۱ ..... نظریه رابرت پاتنام ..... ۱-۳-۲
- ۶۴ ..... شاخص‌های سرمایه اجتماعی مبتنی بر تئوری پاتنام ..... ۲-۳-۲
- ۶۶ ..... مطالعه سرمایه اجتماعی در ایران ..... ۳-۳-۲
- ۶۹ ..... تطبیق نظریه پژوهش با نظریه پاتنام ..... ۴-۳-۲
- ۷۰ ..... شاخص‌های سرمایه اجتماعی مبتنی بر نظریه پژوهش ..... ۱-۴-۳-۲
- ۷۵ ..... اشتراکات نظریه پژوهش با نظریه پاتنام ..... ۲-۴-۳-۲
- ۷۶ ..... افتراقات نظریه پژوهش با نظریه پاتنام ..... ۳-۴-۳-۲

۷۸	فصل سوم: مدارس اسلامی به عنوان شبکه‌های روابط جریان اسلام‌گرا .....
۷۹	۱-۳- پیش درآمد .....
۸۰	۲-۳- مدارس اسلامی .....
۸۰	۱-۲-۳- تعریف مدارس اسلامی .....
۸۱	۲-۲-۳- تاریخچه مدارس اسلامی .....
۸۳	۳-۲-۳- مدارس اسلامی در دوران معاصر .....
۸۵	۴-۲-۳- واکنش به تاسیس مدارس جدید .....
۸۷	۵-۲-۳- بسترهای شکل‌گیری مدارس اسلامی در دوران پهلوی .....
۹۰	۶-۲-۳- تاسیس مدارس اسلامی با گرایش‌های سیاسی .....
۹۵	۳-۳- مدرسه اسلامی جامعه تعلیمات اسلامی .....
۹۷	۴-۳- مدرسه اسلامی دخترانه رفاه .....
۹۹	۵-۳- مدارس اسلامی به عنوان شبکه روابط اسلام‌گراها .....
۱۰۱	۱-۵-۳- شبکه روابط اسلام‌گرا .....
۱۰۲	۱-۱-۵-۳- شبکه‌های روابط رسمی اسلام‌گراها .....
۱۰۳	۱-۱-۱-۵-۳- شبکه مدارس اسلامی .....
۱۰۴	۲-۱-۵-۳- شبکه‌های روابط غیر رسمی اسلام‌گراها .....
۱۰۵	۱-۲-۱-۵-۳- شبکه مساجد .....
۱۰۶	۲-۲-۱-۵-۳- نقش شبکه مساجد در انقلاب .....
۱۰۸	۳-۲-۱-۵-۳- شبکه هیات‌های مذهبی - سیاسی .....
۱۱۰	۶-۳- مدارس اسلامی جامعه و رفاه به عنوان شبکه روابط اسلام‌گراها .....
۱۱۳	۷-۳- ویژگی‌های شبکه‌های روابط مدارس اسلامی .....
۱۱۴	۱-۷-۳- ساخت شبکه مدارس اسلامی .....



۱۱۷ ..... ۲-۷-۳- فشرده‌گی شبکه مدارس اسلامی

## فصل چهارم: نقش مدارس اسلامی در تقویت هنجارهای همیاری جریان اسلام‌گرا ..... ۱۲۰

۱۲۱ ..... ۱-۴- پیش درآمد

۱۲۱ ..... ۲-۴- هنجارهای همیاری اسلام‌گراها

۱۲۲ ..... ۱-۲-۴- تعریف هنجار

۱۲۳ ..... ۲-۲-۴- مفهوم هنجار در سرمایه اجتماعی

۱۲۴ ..... ۳-۲-۴- تعریف هنجار همیاری اسلام‌گراها

۱۲۷ ..... ۳-۴- نقش مدارس اسلامی در تقویت هنجارهای همیاری

۱۲۹ ..... ۴-۴- تحکیم هنجارهای همیاری در مدارس جامعه و رفاه

۱۳۰ ..... ۱-۴-۴- مواد درسی جامعه تعلیمات و رفاه

۱۳۲ ..... ۲-۴-۴- برپایی آیین‌ها و مناسک دینی در جامعه تعلیمات و رفاه

۱۳۴ ..... ۳-۴-۴- تاثیرگذاری عملی جامعه و رفاه بر اندیشه سیاسی دانش‌آموزان

۱۳۵ ..... ۵-۴- دو ویژگی بارز هنجارهای همیاری اسلام‌گراها

۱۳۵ ..... ۱-۵-۴- هنجارهای همیاری مدارس جامعه و رفاه؛ باورها و هنجارهای مردم

۱۳۹ ..... ۱-۱-۵-۴- ناکامی سایر جریان‌های سیاسی در ایجاد هنجار همیاری

۱۴۱ ..... ۲-۵-۴- هنجارهای همیاری مدارس اسلامی؛ هنجارهای همیاری قوی (الزام آور)

## فصل پنجم: نقش مدارس اسلامی در اعتمادسازی و همکاری با جریان اسلام‌گرا ..... ۱۴۴

۱۴۵ ..... ۱-۵- پیش درآمد

۱۴۵ ..... ۲-۵- نقش مدارس اسلامی در اعتمادزایی به جریان اسلام‌گرا

۱۴۶ ..... ۱-۲-۵- تعریف اعتماد

- ۱۴۷ ..... ۲-۲-۵- اعتماد از نگاه سرمایه اجتماعی
- ۱۴۸ ..... ۳-۲-۵- اسلام‌گراها و جلب اعتماد توده‌های مردم
- ۱۴۹ ..... ۳-۵- نقش مدارس جامعه و رفاه در اعتمادسازی
- ۱۵۰ ..... ۴-۵- فقدان پایگاه اجتماعی قوی برای سایر جریان‌ها
- ۱۵۱ ..... ۵-۵- نقش مدارس جامعه و رفاه در انقلاب اسلامی (ایجاد همکاری با اسلام‌گراها)
- ۱۵۱ ..... ۱-۵-۵- اعتماد مردم به اسلام‌گراها زمینه‌ساز همکاری با جریان اسلام‌گرا
- ۱۵۳ ..... ۶-۵- جامعه تعلیمات و رفاه، تامین‌کننده بخشی از نیروهای انقلاب
- ۱۵۴ ..... ۷-۵- مدرسه رفاه یکی از پایگاه‌های مهم انقلابیون
- ۱۵۸ ..... نتیجه‌گیری

#### فهرست منابع

- ۱۷۸ ..... فارسی
- ۱۸۸ ..... لاتین
- ۱۹۴ ..... ضمائم
- ۱۹۵ ..... راویان
- ۱۹۸ ..... اسناد

#### فهرست اشکال

- ۸۲..... شکل ۱-۲: نقش سرمایه اجتماعی در کارآمدی نهادهای دموکراتیک ایتالیا
- ۸۴..... شکل ۲-۲: نقش سرمایه اجتماعی در موفقیت اسلام‌گراها
- ۸۶..... شکل ۳-۲: نقش مدارس اسلامی در موفقیت اسلام‌گراها

# مقدمه

## مقدمه

مطالعه مربوط به نقش نیروهای درگیر در تحولات سیاسی از نگاه اجتماعی، چه در دوره های ثبات چه در دوره های تحول، از مدت ها پیش مورد توجه دانشمندان علوم سیاسی و جامعه شناسان بوده است؛ به طوری که جامعه شناسی سیاسی که یکی از حوزه های علوم سیاسی و اجتماعی است از مجموعه این مطالعات بشمار می رود.

در جامعه ایران نیز که همواره به طور متناوب آستان حوادث گوناگونی بوده نقش نیروهای درگیر در این تحولات و تحلیل و بررسی عملکرد آن ها ذهن اندیشمندان علوم اجتماعی را متوجه خود ساخته است؛ به گونه ای که انقلاب اسلامی به عنوان یکی از مهم ترین این تحولات، مورد بحث بسیاری از اندیشمندان داخلی و خارجی قرار گرفته است. در واقع انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران به عنوان یکی از اعجاب انگیزترین حوادث نیمه دوم این قرن، از جمله تحولاتی است که موجبات تحیر و سردرگمی کارشناسان و صاحب نظران علوم سیاسی به ویژه جامعه شناسان را فراهم آورده (میلانی، ۱۳۸۱: ۱۵) و چگونگی رخداد و بررسی نقش نیروهای درگیر در آن تبدیل به موضوعی برای کالبد شکافی جامعه شناسانه اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی شده است.

بررسی نقش نیروهایی که در این تحول بزرگ حضور داشتند نشان می دهد که همواره برای آفریدن انقلابی با این عظمت، طیف وسیعی از نیروهای سیاسی با گرایشات گوناگون سیاسی درگیر بودند که البته در این پژوهش قرار است نقش برتری یکی از این گروه ها که رهبری انقلاب را نیز بر عهده گرفت بررسی شود.

به طور مشخص می توان گفت در روند شکل گیری انقلاب اسلامی، سه طیف نیرو در قالب سه گروه فعال سیاسی حضور داشتند که البته سابقه حضور آن ها در فعالیت های سیاسی مخالف حکومت به دوران زمامداری پهلوی (از ابتدای ورود رضاخان به عرصه قدرت تا سقوط

محمدرضا شاه) بر می گردد. این سه گروه که از این پس به آن ها "جریان سیاسی"<sup>۱</sup> تلقی می شود شامل جریان مارکسیست، ملی گرا و اسلام گرا بود که هر یک با انگیزه و هدف دستیابی به مقاصد خاصی علیه حکومت فعالیت نموده و باور، دیدگاه و ایدئولوژی مختص خود را در این مبارزه و مخالفت داشته و دنبال نموده اند.

این سه جریان که در تقسیم بندی های مختلف با نام های متفاوتی نظیر دین، ملی گرایی و کمونیسم (بهر روز ۱۳۸۰) یا مذهبی ها، لیبرال ناسیونالیست ها و مارکسیست ها (سیاوشی ۱۳۸۶) آورده شده اند به طور مشخص مسلک سیاسی خاصی را دنبال می کردند و به لحاظ اندیشه سیاسی و حکومت داری از همدیگر متمایز بودند (جعفریان ۱۳۸۶) و به دلیل اینکه ماهیتا منشعب از سه تفکر و ایدئولوژی بودند اهداف مختلفی را در مبارزه علیه حکومت پهلوی دنبال می کردند؛ اگر چه هر سه آن ها به لحاظ مخالفتشان با رژیم پهلوی و حتی در مقطعی نسبت به براندازی این رژیم اشتراک نظر داشتند. در این پژوهش سه جریان مذکور، با نام های "اسلام گرا" یا همان جریان مذهبی و دینی، "ملی گرا" یا همان جریان لیبرال ناسیونال<sup>۲</sup> و "مارکسیست" یا همان جریان چپ معرفی می شوند.

اما بررسی ها نشان می دهد که از میان این سه جریان، تنها اسلام گراها توانستند ضمن ایجاد یک ائتلاف ضد حکومتی، رهبری انقلاب را از آن خود کرده و به اهداف خویش نائل آیند. در اینکه چرا و چگونه از میان سه جریان فوق تنها اسلام گراها کامیاب گردیده و نقش رهبری ایفا نمودند مساله ای است که در این پژوهش به دنبال نشان دادن آن هستیم. البته نقش جریان

---

<sup>۱</sup> - وقتی می گوئیم جریان سیاسی منظور وجود یکسری از گروه ها، تشکل ها، انجمن ها یا حتی احزاب سیاسی هم فکر است که عموماً به لحاظ گرایش های فکری و سیاسی، یک نوع منش واحدی را دنبال می کنند و اگرچه ممکن است به صورت سلیقه ای در مواردی همچون مبارزه سیاسی اختلاف روش داشته باشند اما بنیان فکری و عقیدتی آن ها یکسان است و در جهت تحقق اهداف مشابه فعالیت می نمایند. همین مشابهت در گرایشات فکری و سیاسی شان موجب تمییز آن ها از سایر گروه ها و جریان ها می شود.

<sup>۲</sup> - البته در اینجا ذکر این نکته ضروری است که همان گونه که خود ملی گراها نیز مدعی شده اند دادن عنوان لیبرال ناسیونالیست به ملی گراها موجب تحریف ماهیت و مقاصد آن ها می شود. لذا ضروری است به این نکته توجه شود که در اینجا منظور از ناسیونالیسم همان ناسیونالیسم ظهور یافته سده بیستم که مظهر آن هیتر بود نیست بلکه منظور، ناسیونالیسم جهان سومی و ایرانی است که بیش تر با ایدئولوژی آزادیبخش همراه بود و هدف عمده آن برداشتن یوغ استعمار و امپریالیسم و ایجاد دولت های ملی مستقل می باشد (سیاوشی ۱۳۸۶: ۱۲)

اسلام گرا صرفا به واقعه انقلاب اسلامی منحصر نمی شود بلکه به طور کلی در تحولات یک صد سال اخیر ایران حضور این جریان حضوری فعال بوده است.

در واقع می توان گفت فهم عمیق دگرگونی های تاریخ معاصر ایران بدون بررسی نقش نیروهای مذهبی امکان پذیر نمی باشد و تحقیق و پژوهش در مورد هر یک از تحولات سیاسی یک صد ساله اخیر ایران حکایت از حضور فعال جریان مذهبی در همه این تحولات دارد. البته این، ناشی از تعاملات میان دین و سیاست می باشد که همواره از قدیم الایام در جامعه ایران وجود داشته است. حضور فعال مذهبپویان در حوادث سرنوشت سازی نظیر جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه، ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی شواهدی بر این مدعا است.

جنبش تنباکو که جنبشی سراسر مذهبی و به رهبری علما اتفاق افتاد، به گفته نیکی کدی<sup>۱</sup> نشان داد که علما برای رهبری یک جنبش کامیاب توده ای، قدرت و نفوذ کافی دارند و استفاده از زبان و جاذبه های مذهبی برای به حرکت درآوردن توده ها امری ضروری است. (کدی، ۱۳۵۶: ۲۱-۲۲) حامد الگار<sup>۲</sup> نیز که وقوع پدیده سرنوشت سازی چون انقلاب مشروطه را مدیون حضور مذهبی ها به ویژه طیف روحانیون می داند معتقد است در جریان انقلاب مشروطه بدون جنبش گسترده به رهبری [آیت الله] بهبهانی، [آیت الله] طباطبایی و یاران آنان در میان علما، نخستین پیروزی های مشروطه خواهان از قبیل موافقت با تاسیس عدالت خانه در سال ۱۲۸۶ ه. ش، برکناری عین الدوله و یا تاسیس مجلس شورا در مدت کوتاهی پس از آن غیر قابل تصور بود. (الگار، ۱۳۷۱: ۲۶۷)

در واقعه ملی شدن صنعت نفت نیز جریان مذهبی با دفاع علمای روحانی از ملی شدن صنعت نفت، با اقتدار در صحنه سیاست ظاهر شد و نقش مهمی را در به ثمر رساندن ملی شدن ایفا نمود. علاوه بر حضور قدرتمند آیت الله کاشانی در این دوران، می توان به فتوای آیت الله محمد تقی خوانساری اشاره نمود که در حمایت از ملی کردن صنعت نفت صادر کرد و نیز از حمایت های شخصیت هایی چون آیت الله ابوالفضل زنجانی نام برد که همواره به مصدق و جبهه ملی وفادار

---

<sup>۱</sup> - Nikki Keddi

<sup>۲</sup> - Algar Hamed

ماندند. در این میان، کسانی چون آیت الله سید محمود طالقانی هم که از مصدق و جریان ملی شدن حمایت می کردند و موعظه هایی سیاسی- مذهبی در منطقه مرکزی تهران ایراد می نمودند سعی داشتند تا از بروز جدایی میان کاشانی و مصدق جلوگیری کنند. (همبلی، ۱۳۷۱: ۲۹۲)

اما اوج حضور جریان مذهبی، مربوط به یکی از متاخرترین تحولات سیاسی عصر حاضر ایران بود که منجر به شکل گیری نظام سیاسی جدید یعنی "جمهوری اسلامی" گردید. در واقعه انقلاب اسلامی نیز نه تنها همچون وقایع قبلی شاهد نقش آفرینی نیروهای مذهبی هستیم بلکه همواره حضور و تاثیر جریان مذهبی در این واقعه آنچنان پررنگ تر از سایر جریان های سیاسی بوده که می توان ادعا نمود جریان مذهبی اسلام گرا منشا این تحول عظیم و انقلابی بوده است؛ به گونه ای که بسیاری از تحلیل گران انقلاب ایران بر این ادعا مهر تایید زده اند. متعدّدند کسانی چون حامد الگار که معتقد است در واقع، اسلام شیعی منبع اصلی و اسطوره ای و زمینه ساز انقلاب اسلامی بوده و عامل تشیع را می توان همان عنصری دانست که انقلاب ایران را از سایر انقلاب های عصر ما متمایز می سازد (عنایت، ۱۳۷۷: ۵۱) و پر واضح است که دامن زدن به بحث تشیع و توسل به آموزه های اسلامی در جهت مبارزه با رژیم پهلوی مواردی بودند که که اگر نگوییم صرفاً، اما می توان ادعا کرد که بیش تر، از جانب مذهبی ها به کار گرفته می شدند.

در این میان، آنچه که قابل توجه است اینکه جریان مذهبی، طیف وسیعی از گروه های مذهبی اعم از روحانیون و غیر روحانیون را شامل می شد. این گروه های مذهبی که هر کدام نقش قابل توجهی در رهبری جریان اسلام گرا ایفا نمودند در اشکال مختلفی نظیر انجمن، تشکل، حزب و سایر نهادهای مختلف اسلامی وجود داشتند. یک نمونه از این گروه ها مربوط به مجموعه "مدارس اسلامی" بود که به عنوان یک شبکه قوی اجتماعی- سیاسی تاثیر بسزایی در شکل گیری انقلاب اسلامی و به ویژه در رهبری اسلام گراها داشت. در حقیقت وجود مدرسه های پسرانه و دخترانه اسلامی در سراسر کشور زنجیره ای از بسیج حمایتی برای مبارزان اسلام گرا محسوب می شد. لذا در پژوهش حاضر قرار است به نقش مهم این مدارس که به عنوان سرمایه اجتماعی در اختیار اسلام گراها تاثیر قابل توجهی در موفقیت آن ها داشتند پرداخته شود.

البته مدارس اسلامی در ایران دامنه گسترده ای را شامل می شد که عموماً با رویکرد کلی ترویج مفاهیم و معارف اسلامی به تربیت دانش آموزان می پرداختند. موسسان این مدارس به دنبال ایجاد یک فضای آموزشی با علقه های اسلامی بودند. مدارس نظیر دبیرستان کمال نارمک، مدرسه علوی، مدرسه دخترانه رفاه، مدارس جامعه تعلیمات اسلامی، مدرسه پسرانه موسوی، مدرسه دخترانه روشنگر، مدرسه دین و دانش، مدارس دخترانه و پسرانه «نو»، از جمله نمونه های مهم این مدارس بشمار می آمدند که با اهداف فوق تشکیل شدند.

اما از آنجا که در این پژوهش مجالی برای بررسی نقش همه این مدارس وجود صرفاً دو مدرسه "دخترانه رفاه" و "جامعه تعلیمات اسلامی" را به عنوان موارد مطالعاتی پژوهش برگزیده ایم.

در واقع چند دلیل را برای انتخاب این دو مدرسه به عنوان موارد مطالعاتی پژوهش بهانه کرده ایم. اول اینکه این دو مدرسه نقش بارزی در نیروسازی انقلاب داشته اند که البته این به معنای نفی نقش دیگر مدارس نیست بلکه داشتن این ویژگی از جمله الزامات انتخاب ما بوده است که هر دو این مدارس این ویژگی را دارا می باشند. دوم اینکه به دلیل فعال بودن دو مدرسه مذکور در جریان مبارزات انقلابی، این دو می توانند نماینده خوبی باشند برای معرفی آن دسته از مدارس اسلامی که مستقیم یا غیر مستقیم در تحولات انقلابی نقش داشتند که البته شمار قابل توجهی از مدارس را در بر می گرفت. سوم اینکه هر یک از این دو مدرسه دارای ویژگی خاصی می باشند که بر قوت پژوهش می افزایند. در مورد ویژگی خاص "مدارس جامعه تعلیمات" باید گفت انتخاب یک مدرسه ای که زمان تاسیس آن به سال ها قبل از انقلاب برگردد و از قدمتی نسبتاً طولانی برخوردار باشد از ملاک های عمده تحقیق بشمار می رود که این مدرسه واجد این ویژگی بود؛ ضمن اینکه وجود شعبات متعدد برای این مدرسه در شهر های مختلف ایران، آن را به نمونه خوبی برای معرفی شبکه اسلام گراها تبدیل نموده بود. اما انتخاب "مدرسه رفاه" در کنار جامعه تعلیمات، به دلیل دخترانه بودن آن است تا به نقش همتراز زنان و دختران در انقلاب پرداخته شود. البته مدارس جامعه تعلیمات نیز دارای شعبات دخترانه بودند که تنها حدود ۳۰ درصد



جمعیت این مدارس را تشکیل می دادند. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده‌ی جامعه‌ی تعلیمات اسلامی. شماره سند ۱۹۵)

اما برای اینکه در طول پژوهش با یکسری ابهامات مواجه نشویم ذکر چند نکته را ضروری می دانیم:

۱- از آنجا که جریان اسلام گرا، تنها نقطه ثقل پژوهش خواهد بود و در صدد بررسی تطبیقی نقش سه جریان ذکر شده نیستیم لذا طبیعی است که پرداختن به دو جریان دیگر در حد لزوم بوده و جنبه حاشیه ای خواهد داشت وگرنه بررسی تطبیقی عملکرد این سه جریان در واقعه انقلاب اسلامی از منظر سرمایه اجتماعی، خود موضوع جداگانه ای است که پژوهش دیگری را می طلبد.

۲- همان گونه که در ابتدای بحث آمد مفروض ما این است که اسلام گراها ضمن داشتن نقش موثر در پیروزی انقلاب اسلامی، تنها پیروز انقلاب بشمار می آمدند چرا که هم رهبری انقلاب را بر عهده داشتند هم نظام سیاسی مورد نظر خویش را بنا نمودند. لذا در اینجا در صدد بررسی چگونگی این موفقیت هستیم.

۳- از مشکلات عمده این پژوهش درگیر بودن چند موضوع به صورت توأمان است که شاید بتوان چند سوال اصلی و فرضیه اصلی برای آن در نظر گرفت. اما از طرف دیگر جهت انسجام مطالب و فهم بیش تر موضوع، در صدد پاسخ به یک سوال اصلی خواهیم بود.

۴- نظر به اینکه در جامعه ایران تابحال کار جدی در خصوص تاثیر سرمایه اجتماعی بر پدیده های سیاسی صورت نگرفته طبیعی است که شاید نیاز باشد برای مدتی شاهد تولید پژوهش هایی باشیم تا کمک قابل توجهی برای تولید این ادبیات نماید. لذا بخشی از کاستی های نظریه ای این پژوهش را نیز باید به حساب فقدان نظریه های بومی شده در این موضوع گذاشت.

فصل اول:

طرح کلی بحث

## ۱-۱- پیش درآمد

بررسی و مطالعه جریان های سیاسی فعال در دوران صد ساله اخیر ایران نشان می دهد که هرچند جریان مذهبی اسلام گرا همواره نقش تاثیرگذار و سرنوشت سازی بر وقوع و روند حوادث سیاسی این دوران داشته و همان طور که ذکر شد از زمان وقوع جنبش تنباکو - که سرآغاز یک خیزش مردمی علیه حکومت بود- تا زمان وقوع انقلاب اسلامی - که اوج تحولات سیاسی اخیر در ایران بشمار می رود- از مهم ترین نیروهای سیاسی مخالف حکومت محسوب می شده است، اما حقایق حکایت از آن دارد که جریان های سیاسی مخالف حکومت در ایران طی صد سال اخیر به ویژه از زمان تاسیس سلسله پهلوی تا زمان وقوع انقلاب ۱۳۵۷ ه.ش تنها به جریان مذهبی خلاصه نمی شد بلکه حضور فعال دو جریان دیگر، یکی جریان ملی گرا و دیگری جریان چپ و مارکسیست به عنوان دیگر منتقدین و مخالفین عمده حکومت همواره مورد توجه بوده است.

لذا اگرچه در آفریدن وقایعی همچون جنبش تنباکو یا قیام پانزده خرداد که علیه حکومت صورت گرفت صرفا یک جریان، یعنی تنها اسلام گراها نقشی تعیین کننده و اساسی داشته اند اما در مواردی نیز همه جریان های فوق به دلایل مختلف، مشترکا عامل یک تحول سیاسی ضد حکومتی بوده اند؛ همچون واقعه انقلاب مشروطه و جریان ملی شدن صنعت نفت که حاصل همکاری دو جریان مذهبی و ملی گرا بود یا در واقعه انقلاب ۱۳۵۷ ه.ش که هر سه جریان در آن حضور داشتند.

به عبارت دیگر در دوران سلطنت پهلوی به ویژه از زمان بعد از کودتای ۲۸ مرداد که جو اختناق و سرکوب بر گروه های سیاسی حاکم شد، تا سال های پایانی حکومت محمدرضاشاه می توان از حضور سه جریان مخالف فعال و قوی سیاسی نام برد که هر سه آن ها جزء مهم ترین مخالفان پهلوی بشمار می آمدند و - اگر چه با فاصله زمانی متفاوت اما- سرانجام در یک اقدام مشترک نسبت به براندازی سلطنت پهلوی به اجماع رسیدند؛ هر چند میزان مخالفت هر یک از آن ها به یک اندازه نبود و هر کدام، اهداف مختلفی را در پی این مخالفت دنبال می کردند. در واقع در تحول بزرگی چون انقلاب اسلامی، در روند فروپاشی نظام شاهنشاهی، نیروهایی ناهمگون

با توان و نقشی نابرابر نقش آفرین بودند که می توان آن ها را در این سه جریان فکری یعنی "اسلام گرا"، "ملی گرا" و "مارکسیست" دسته بندی نمود.

البته این سه جریان در زمان پهلوی اول به دلیل اعمال سیاست های سرکوبگرانه رضا شاه نه تنها مخالفت جدی علیه حکومت صورت ندادند بلکه به شدت از جانب حکومت سرکوب شدند. چرا که رضاشاه در کشور تبدیل به یک دیکتاتوری قهار شد که حقوق اجتماعی، آزادی عقیده، مالکیت، امنیت و آسایش مردم ایران را بازیچه دست خود قرار داد؛ به گونه ای که عده کثیری، از جمله برخی سیاستمداران برجسته در حالی که محکومیتشان را در زندان می گذراندند زندگی خود را از دست دادند. (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۱۵)

اما هم زمان با سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ ه.ش فرصتی ایجاد شد تا احزاب و گروه های سیاسی جدید شکل گرفته و آن دسته از گروه هایی که در دوران پهلوی اول سرکوب شده بودند مجدداً سر برآوردند. لذا با گسترش آزادی های اجتماعی و سیاسی، روشنفکران و طبقه متوسط جدید مجال فعالیت سیاسی پیدا کردند و از جمله نخستین احزاب عمده ای که توسط این گروه ایجاد شد حزب ایران بود که در اصل به عنوان انجمن مهندسان تشکیل شده بود. (بشیریه، ۱۳۷۴: ۱۶۸) گروه ها و احزاب ایجاد شده مجدداً در قالب سه جریان مذهبی، ملی گرا و چپ در صحنه سیاسی ظاهر شدند و ضمن محکوم نمودن گذشته استبدادی، بر ایجاد فضای باز سیاسی جهت ابراز مخالفت تاکید نمودند.

جریان فکری چپ با تاسیس حزب توده که از مابقی گروه پنجاه و سه نفره<sup>۱</sup> و حزب کمونیست و دیگر گروه های مارکسیستی ناشی می شد تجدید حیات نمود و مذهبی ها نیز که از سوی استبداد رضاخانی سرکوب شده بودند و نقش آن ها بیش تر در بازسازی حوزه ها و کادرسازی نیروهای مذهبی خلاصه می شد با رفتن رضاشاه و ایجاد گروه هایی نظیر جمعیت فداییان اسلام، به عنوان یکی از سرسخت ترین مخالفان پهلوی شروع به فعالیت کردند. جریان ملی گرا نیز که در آرزوی بازگشت به دوران مشروطه خواهی به سر می برد منسجم تر و سازمان

---

<sup>۱</sup> - گروه پنجاه و سه نفره در خارج از ایران با اصول مارکسیسم آشنا شده بودند و خود را روشن فکرانی می دانستند که با افکار جدید جهان آشنا شده اند و می توانند راه تحول فکری را به سوی تحقق انقلاب کمونیستی در سرزمین ایران هموار سازند. (مدنی، ۱۳۶۱ ج ۱: ۳۰۰)